

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی

۶ اپریل ۲۰۱۰

افتخار به سوما «کاویانی»، این رادزن آشتی ناپذیر!

باخواندن پیام کوتاه ، قاطع و پرصلابت هموطن گرانقدر و عزیز ، خانم سوما «کاویانی» ، آنقدر حظ بردم که بدون مبالغه اگر تمامی گلهای اکاسی را که هنوز در بهار امسال مشامم به عطرشان نوازش نیافته است ، همین لحظه گرد آورند ، به میزان لذت از نوشته این رادزن که هر حرف کلام نامه اش تیراستوار و آتشین است به سینه هریک از نوکران امپراتوری تزاران نوین روسیه ، این «روسیه گان» تاریخ! ، اعم از ببرکیان ، طرفداران نجیب «خاد» و دیگر خائنین و جنایتکاران هم قماش شان حزبی شان که هیچ خیانت ملی و جنایت ضد انسانی تا ایندم که ایندم است نتواسته است عرق خجلت و سرافکندگی برجبین سیاه و ننگین شان بنشانند. ممکن آن دلچک های رسوا با خواندن یا از پرونی غیر قابل باور خود ، «مباهات» نموده و این بی ننگی مزمن و تهوع آور خود را نوعی «ایستادگی» و «شکست ناپذیری!» جازنند (همانطوری که «انقلاب» قلابی خود را جا می زدند) و لی تاریخ مبارزات روشنفکری دهه های چهل و پنجاه خورشیدی کشور ما ، و بعداً نوکری به بیگانه متجاوز و وطنفروشی ها و جنایات نابخشودنی حزب بدنم «دموکراتیک! خلق! افغانستان!» (سه بار خیانت حتی در حق کلمات بیجان!) ، حزب ساخته شده به اشاره سوسیال امپریالیزم روس و به وسیله دست نشاندۀ آن ، وطنفروش معروف ، ببرک «کارمل» یا «شاه شجاع ثانی» ، در حق مردم شجاع و تسلیم ناپذیر ما نشان داد که این باند رسوا با نیرنگ تظاهربه «خلق» ، نام «پرچم» ، از همان آغاز تا امروز ، فقط منبع و مرجع پُرا زچم و نیرنگ و فریب و خیانت بوده اند.

متعاقب خیانت ها و جنایات تاریخی شان ، این باند رسوای وطنفروشان ، با دیدن نابودی محتوم دم و دستگاه بادران سوسیال امپریالیست خود ، موازی با کرنش ها و سازش های آنها با رقبای غربی شان ، در سطح داخل افغانستان دست به تغییرات در سیاست برخورد با مردم زده و دلچک خون آشام و جاسوس بدنم خود ، داکرنجیب را امر به «جامه بدل نمودن» کردند. پیکول پوشیدن ها ، مسلمان نمائی ها ، «ملی» نمائی ها و «مردمی» گوئی های «قصاب خاد» را همه هموطنان شاهد بوده اند.

سایت «اصالت» (بخوانید ردالت) ، دوام همان دیده درائی ها است که اولاً با تلاش ها ، مانور های رسوا و «غیب گوئی» های داکتر نجیب ، اسلام پناهی و «مسعود پناهی» و «گلبدین پناهی» باند «خلق» - پرچم آغاز شد و تا امروز به انواع و اقسام مردم فریبی ها و پرونی ها ادامه دارد. ولی وطنفروش باند رسوا و تاریخزده «خلق» - پرچم ، این را بایست ملتفت باشند که

«هیچ صیقل نکو نخواهد کرد آهنی را که بنگهر باشد!»

کادرهای این باند ، متعاقب سقوط دم و دستگاه بادران شان و دولت پوشالی دست نشاندۀ روس درکابل ، با دستبرد به دارائی عامه و تاراج سفارتخانه های افغانستان در نقاط مختلف جهان ، به خارج - بیشتر به اروپا و به خصوص کشور هالند - پناهند شدند ؛ و این کشورها هم با «فراموشی» تعجب آور «کامونست» بودن باند «خلق» - پرچم و آنهمه بدوبیراهی که سالها نثارشان می کردند ، این شیادان را در آغوش گرفته و به عنوان «پناهنده» در پهلوی قربانیان دیروزی شان ، و چه بسا که با امتیازات خوبتر کمک به پناهندگان قراردادند... غربی ها که منادیان و پیشقراولان «حقوق به شر!» هستند دیگر... بایست چنین می شد و «مخالفان اندیولوژیک» خود را ، که خروشف سالها پیش برای شان «شفاعت» کرده بود ، درجملۀ «امت» خود بپذیرند.

آری! باند «خلق» - پرچم سالهاست ، به کمک عناصر بی شخصیت و بی خاصیت ، تلاش دارد در بین افغان های پناهنده (قربانیان مستقیم و غیرمستقیم) خود نفوذ نموده با راه انداختن : " بیائید مسجد بسازیم " ، " ما همه افغان هستیم " ، " ما که اینگونه (جنایات همطرازان اخوانی و طالبی شان) عمل ننموده بودیم " و انواع و اقسام تلاش ها کوشیده اند تا مگر بتوانند خیانت ها و جنایات خود را به فراموشی بسپارند. به گفته معروف ، اینها همه «حلوا حلوا» گفتن ها و «دهن شرین کردن» ها است و به هیچ وجه «پدرکشته» را با این قاتلان رذیل و بی آرم آشتی نخواهد بود.

خون نا حق دست از دامان قاتل برنداشت

دیده باشی لکه های دامن قصاب را!

امروز ، جنایتکاران شرف باخته حزب وطنفروش «دموکراتیک خلق» برگزشت زمان ، «نسیان» مردم ، مرحمت همدستان اخوانی و امثال شان و مهمتراز همه ، حمایت بادران نو خود ، امپریالیزم غرب به سرمداری امریکا ، حساب می کنند ، چنانچه همه شاهد اند که نه تنها دستگاه مستعمراتی کابل بلکه دهها و صدها پست بادآورده رسمی در داخل و خارج کشور ، به همین جمع جواسیس ، با نام افغان و افغانستان! سپرده شده است تا باز هم به خیانت و وطنفروشی پرداخته و با قلاده زرین دیگری ، چندروزی از حیات ننگین خود را سپری نمایند. ولی آن روزی که مردم دشمن شکن و تسلیم ناپذیر ما برخرا به های دولت مستعمراتی کابل و گورمتجاوزین خارجی امریکائی و حواریون ، جشن پیروزی برپاکنند ، وطنفروشان و درقدم اول ، جواسیس باند «خلق» - پرچم ، به سان حشرات که با تابیدن نوره سوراخ ها به سرعت می خزند ، درگریز خواهند بود. به امید رسیدن هرچه زودتر آن روز!

یکباردیگر به شجاعت و قاطعیت هموطن عزیز خود ، خانم سوما «کاویانی» ارج گذاشته ، آرزو می کنم که دیگر هموطنانی که خیانت ها ، جنایات و وطنفروشی های مکرر اعضای باند «خلق» - پرچم ، تار و پود جسم و روان شان را می آزارد ، سکوت را شکستاده ، دین اخلاقی و وجدانی خود را با افشاء ساختن خاینان و جنایتکاران ، با روحیه نترس و فریادرسا ، اداء نموده افتخارتاریخی را نصیب شوند. خانم «کاویانی» به ثبوت رساندند که ملت ما با «قحط النساء» مواجه نیست و هم شرط «ملالی» شدن واقعی در این آغاز قرن بیست و یک ، صداقت ، صراحت و جانبازی ملالی گونه می خواهد نه دریوزه گری امپریالیزم و ارتجاع.

سلام گرم و حرمت و افتخار به خانم سوما «کاویانی»!